

رفاه در فرهنگ خودشیفتگی

رفاه از مفاهیمی است که معنای آن در قرون اخیر به واسطه اوضاع مختلف اقتصادی دچار تحول بسیاری شده است.



رفاه از مفاهیمی است که معنای آن در قرون اخیر به واسطه اوضاع مختلف اقتصادی دچار تحول بسیاری شده است. شاید اگر از کارگران صنعتی قرن ها هجدهم و نوزدهم میلادی در کشورهای انگلستان و آلمان می پرسیدیم که رفاه به چه معناست، پاسخ می دادند که توانایی داشتن یک سرپناه کوچک و نیز غذایی که ما را زنده و به قدری توانا نگه دارد که بتوانیم کار کنیم، اما امروزه رفاه نه فقط برای مردم این کشورها، بلکه حتی برای مردم بسیاری از کشورهای نه چندان توسعه یافته، معنایی وسیع تر یافته، معنایی که هر روز بر حجم الزامات آن افزوده می شود. امروزه تعریف رفاه، به کوتاهی یک روز اعتبار دارد، چراکه روز بعد، وسایل و امکاناتی جدید ابداع می شود و تعریفی جدید از مرفه و غیرمرفه همراه خود می آورد.

کمتر از 40 سال پیش، در تهران، پایتخت کشورمان داشتن یک تلویزیون رنگی از نشانه های ثروت و رفاه محسوب می شد و تعداد قابل توجه جامعه ایرانی از عهده تهیه چنین امکاناتی ناتوان بودند. حتی اواخر دهه 60 و اوایل دهه 70، تلویزیون های سیاه و سفید در بین بسیاری از خانواده های ایرانی عمومیت داشت و گویندگان برنامه های ورزشی، برای تشخیص دو تیم رقیب برای بینندگانی که از تلویزیون سیاه و سفید به تماشای مسابقه می نشستند، نشانه هایی را ذکر می کردند، اما امروزه، تلویزیون رنگی یا حتی ال سی دی، دیگر علامت رفاه و ثروت محسوب نمی شود؛ چراکه تلویزیون وسیله ای عمومی است که بیشتر خانواده ها برای خرید نمونه مطلوبی از آن اقدام می کنند. امروزه رفاه با نشانه های دیگری تعریف می شود، نشانه هایی که دال بر در اختیار داشتن وسایل بسیار خصوصی است، مثلا وسایلی چون اتومبیل آخرین مدل شخصی، لپ تاپ و تبلت روز بازار کامپیوتر، آخرین مدل گوشی تلفن همراه شرکت های معروفی چون اپل و سامسونگ و....

بنابراین ملاک های «رفاه»، از امکانات عمومی، به سمت امکانات خصوصی تمایل یافته است. این از تبعات وضع اقتصادی ای است که امروزه در چارچوب آن زندگی می کنیم. اقتصاد سرمایه داری امروز، مبتنی بر توسعه نگرش خودشیفتگی است. افراد به خودشیفتگی و دم غنیمت شماری تشویق می شوند. سرمایه داری امروز، افراد را به عطش همیشگی سوق می دهد. افراد مدام منتظر هستند تا فلان برند تجاری، محصولی شگفت آور معرفی کند تا یکی دیگر از زحمات روزمره شان را بکاهد. هر روز انسان ها به کمتر کار کردن تمایل پیدا می کنند و تکنولوژی های جدید، عهده دار کارهای خصوصی روزمره ما می شود. سرگرمی های ما نیز با فناوری ها خصوصی می شود و دیگر نیاز نیست به دنبال دوستی بگردیم که به همان بازی ای که ما علاقه داریم، علاقه داشته باشد، تکنولوژی فضای سرگرمی و بازی ما را کاملا خصوصی و به دلخواه خود ما طراحی می کند. ما به دیگران نیاز نداریم و می توانیم تا دلمان می خواهد خودشیفته باشیم و به ارضای امیال و علاقه های شخصی خود بپردازیم.

رفاه در این وضع، با رفاه آرمانی مدنظر کارگران صنعتی قرن هجدهم و نوزدهم بسیار فاصله دارد. از تفاوت های این دو تعریف از رفاه، در میزان گستردگی و عمومیت آنهاست. رفاه مدنظر کارگران قرن نوزدهم، مفهومی بود که مشترک بین همه انسان ها بود. هر انسانی در صورت داشتن مسکن و غذا، مرفه بود، اما رفاه به معنای امروزی، مفهومی کاملا شخصی است، به عبارت دیگر، به تعداد افراد، از رفاه تعریف وجود دارد. چراکه دیگر ملاک های رفاه، تامین نیازهای مشترک انسان ها نیست، بلکه ملاک های رفاه، تامین نیازها و امیال کاملا سلیقه ای افراد است. هر فرد علایقی معین دارد و از فناوری های جدید انتظارات معینی دارد و در صورت حصول آنها خود را مرفه می داند. این اوج خودشیفتگی در تاریخ بشر است.